



ویژگی‌های بارز صحیفه سجادیه از زبان نخستین مترجم آن به انگلیسی

«ویلیام چیتیک» نخستین مترجم صحیفه سجادیه به زبان انگلیسی معتقد است که: صحیفه سجادیه آموزه‌هایی را ارائه می‌دهد که در سطوح مختلفی، از خدانشناسی گرفته تا مسائل اجتماعی، کاربرد دارند.

«ویلیام چیتیک» نخستین مترجم صحیفه سجادیه به زبان انگلیسی معتقد است که: صحیفه سجادیه آموزه‌هایی را ارائه می‌دهد که در سطوح مختلفی، از خدانشناسی گرفته تا مسائل اجتماعی، کاربرد دارند.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، پروفسور «ویلیام چیتیک» در سال 1943 در شهر ملفورد در ایالت کنتیکت در کشور آمریکا زاده شد. تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌ای هنر آغاز کرد. خلال سال‌های تحصیل به ایران سفر کرد و دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال 1974 از دانشگاه تهران گرفت. وی پنج سال در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس تاریخ تطبیقی ادیان اشتغال داشت. پس از بازگشت به آمریکا، به مدت سه سال به گروه ویرایش دائرةالمعارف ایرانیکا پیوست. چیتیک، از سال 1983 تاکنون به تدریس مطالعات دینی در دانشگاه استونی بروک اشتغال دارد. پژوهش در تاریخ تصوف، عمده‌ترین موضوع در کارهای پژوهشی اوست. کتاب «من و رومی» به زبان انگلیسی در ترجمه و توضیح کتاب مقالات شمس تبریزی که در سال 2003 منتشر شد، جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن 1383 را دریافت کرد.

ترجمه انگلیسی صحیفه سجادیه همراه با ملحقات، دعا‌های ایام هفته، مناجات‌های خمس و رساله‌های امام سجاد(ع) از آثار ارزشمند چیتیک است که نقشی به سزا در معرفی صحیفه در سطح جهانی داشته است. چیتیک بر این ترجمه، مقدمه‌ای نسبتاً مبسوط نگاشته، و درباره امام سجاد(ع) صحیفه و نسخه‌های خطی و شروح آن، دعا در اسلام، توحید، درخواست از خدا، اسماء الحسنی، شکر نعمت‌ها و مطالبی از این دست، سخن گفته است. این ترجمه، ابتدا توسط بنیاد محمدی در انگلستان و سپس انتشارات انصاریان قم (به‌طور افست) منتشر شد.

اهمیت این گفتار، در آن است که دیدگاهی برون دینی درباره صحیفه را نشان می‌دهد. به دلیل طولانی بودن اصل مقاله، تنها بخش‌هایی از آن را که در مورد صحیفه بود، برگزیدیم، که علامت {...} به این اقتباس و انتخاب، اشاره کرد.

{...} عنوان صحیفه سجادیه به معنی کتاب سجاد است. سجاد یکی از القاب زین العابدین است، به معنی کسی که به طاعت و نماز و دعا به سجده می‌رود. این کتاب اغلب با عنوان صحیفه کامله سجادیه - کتاب کامل سجاد نیز نامیده می‌شود. و نقل از سعید علی خان شیرازی، مفسر صحیفه سجادیه، واژه کامله نشان دهنده کمال سبک و مضمون این کتاب است. برخی منابع دیگر، دلیل افزوده شدن این صفت را متمایز ساختن این اثر از کتاب دیگری می‌دانند که نسخه ناقص صحیفه محسوب شده و در میان زیدی‌ها رایج و شناخته شده است. اما با توجه به شیوه استفاده از این واژه در مقدمه اثر، چنین احتمالی کمرنگ تر می‌شود (بند 20) صحیفه با عناوین احترام آمیز دیگری چون خواهر قرآن، انجیل اهل بیت، و مزامیر آل محمد نیز خوانده می‌شود.

* طبق روایات و احادیث شیعه، زین‌العابدین مناجات‌های خود را جمع‌آوری کرده و به فرزندان خود به خصوص محمد باقر و زید آموخت

طبق روایات و احادیث شیعه، زین‌العابدین مناجات‌های خود را جمع‌آوری کرده و به فرزندان خود به خصوص محمد باقر و زید آموخت. پس از مدتی این کتاب به طور گسترده‌ای در میان مذاهب مختلف شیعه رواج پیدا کرد. صاحب نظران علم حدیث متن این کتاب را متواتر می‌دانند. به عبارت دیگر، متن این کتاب از همان ابتدا مورد شناخت عموم بوده و به اشکال و طرق مختلف دست به دست شده و انتقال یافته است ولی اصالت و صحت این اثر هرگز زیر سوال نرفته است.

اما به هر حال، ترتیب و نحوه قرارگیری مناجات‌ها به شکلی است که به ما اجازه می‌دهد با اطمینان کامل، خط تمایزی میان پنجاه و چهار مناجات تشکیل دهنده پیکره اصلی کتاب، مناجات‌های اضافه تشکیل دهنده ضمایم پانزده گانه (از جمله ادعیه روزهای هفته) و پانزده مناجات یا دعا‌های زیر لب قائل شویم. تازگی و طراوت و وحدت مضمون و سبکی را که به طور غیرقابل انکاری در پنجاه و چهار مناجات اصلی وجود دارد در بخش‌های افزوده شده دیگر به خصوص مناجات‌ها نمی‌توانیم ببینیم، چرا که هنرمندی و نظم و ترتیب آگاهانه این مناجات‌ها به نحوی است که وجود ویراستاری را در این میان به ذهن می‌آورد. گفته می‌شود که ضمایم توسط شمس‌الدین محمد بن مکی، معروف به شهید اول - نگارنده شهر کتاب اللمعة الدمشقیة در علم حقوق که در سال 1384 ق/ 786 م در حلب کشته شد جمع‌آوری و به کتاب افزوده شده است. پانزده مناجاتی که در چندین ویراست جدید صحیفه افزوده شده‌اند.

نیز به نظر می‌رسد که توسط علامه محمد باقر مجلسی نویسنده مجموعه ماندگار و جاویدان حدیث شیعه، بحارالانوار، به صحیفه اضافه شده باشند.

علاوه بر مناجات‌های اصلی صحیفه، مناجات‌های بسیار دیگری نیز از امام زین‌العابدین وجود دارند که توسط محققین مختلف به همراه مناجات‌های اصلی در مجموعه‌هایی به عناوین صحیفه دوم، صحیفه سوم و به همین ترتیب جمع‌آوری شده‌اند. صحیفه دوم که از نظر حجم مطالب تقریباً به اندازه صحیفه اصلی است با عنوان خواهر صحیفه توسط محمد بن الحسن الحرالعالمی نویسنده کتاب

معروف وسائل الشیعه در سال 1643 / 1053، جمع‌آوری گردید. صحیفه سوم نیز توسط نگارنده کتاب ریاض العلماء میرزا عبدالله پسر میرزا عیسی تبریزی معروف به افندی و شاگرد علامه مجلسی، تدوین شد. طولانی‌ترین نسخه به چاپ رسیده از صحیفه، کتاب الصحیفه السجادیة الخامسة (پنجمین صحیفه سجادیة) می‌باشد که توسط محسن الامین، نویسنده معروف و معاصر کتاب عیان الشیعه، گردآوری شده است. این نسخه از صحیفه شامل تمام مناجات‌های موجود در صحیفه‌های پیشین می‌باشد که از این میان 130 مناجات مربوط به صحیفه‌های اول و دوم بوده و 52 مناجات نیز به آنها افزوده شده است. کنستانس پدویک در مطالعات دلسوزانه خود در مورد کتیب ادعیه اسلامی و عبادات مسلمانان از نسخه کامل و نهایی صحیفه پنجم که بیش از ششصد صفحه دارد استفاده کرد.

هر گونه تلاش جدی برای به دست آوردن دلایل تاریخی بر صحت هر کدام از مناجات‌ها و ادعیه موجود در تمام ویراست‌های صحیفه که مبتنی بر بررسی‌های انتقادی جدید نیز باید باشد، وظیفه‌ای دشوار است که در آن مسائل مهم و عمده‌ای نیز باید مورد توجه قرار گیرد. نتیجه چنین بررسی‌ای البته اگر کسی بتواند با مطالعه سایر متون قدیمی تصمیم‌گیری و قضاوت کند احتمالاً چنین است که، پس از سالها تلاش سخت و طاقت‌فرسا تنها یک دسته فرضیه در اختیار داریم که با درجات گوناگونی مورد شک و تردید قرار دارند. این موضوع می‌تواند برای محققین غربی و مسلمانان امروزی، که هر دو گروه به هر صورت هیچگونه دخالت و ارتباط مشخصی با مضامین و آموزه‌های صحیفه ندارند، جالب توجه باشد. اما شیوه بیشتر مسلمانان بر این است که به مضمون و محتوای متونی که به صورت احادیث و روایات باشند توجه می‌کنند و چندان توجهی به اینکه براساس حقایق تاریخی چه کسی واقعا آن متن را نوشته، از خود نشان نمی‌دهند. در این رابطه می‌تواند به جمله معروف [امام] علی اشاره کرد که: به آنچه گفته شده است توجه کن و نه به اینکه چه کسی آن را گفته است، زیرا تنها حقیقت بودن یا نبودن کلمات است که واقعا اهمیت دارد. با عنایت بر این نظر اگر نویسنده صحیفه کامله، امام سجاد نبوده باشد، نویسنده آن در هر صورت یک مقام و مرجع معنوی است و یا جایگاهی در این سطح دارد. با توجه به تمام این مطالب، دوباره به نقطه آغازین باز می‌گردیم که: با اثری روبرو هستیم که والاترین الهامات را به روح و جان مسلمانان عرضه می‌کند.

* متن اصلی صحیفه که قرن‌ها احادیث و روایات شیعه آن را منتسب به زین‌العابدین می‌دانند، در اختیار ماست

اما به هر صورت می‌توانیم از این نکته خرسند باشیم که متن اصلی صحیفه که قرن‌ها احادیث و روایات شیعه آن را منتسب به زین‌العابدین می‌دانند، در اختیار ماست. یعنی دیگر، در پنجاه و چهار دعای صحیفه، زین‌العابدین را در برابر داریم که بیش از هزار سال است در میان شیعیان شناخته شده است و به شکل‌گیری وضعیت ویژه مذهب شیعه تا به امروز کمک شایانی کرده است. شاید محققین سرانجام به این نتیجه برسند که زین‌العابدین حقایق تاریخی با زین‌العابدین احادیث و روایات متفاوت است، اما این نتیجه‌گیری نیز در حد یک نظریه باقی خواهد ماند، چرا که آزمایش مجدد واقعیت‌های تاریخی غیرممکن است و همچنین این واقعیت‌ها به اندازه ادبیات نمی‌توانند مورد تفسیر قرار بگیرند. پذیرش یا عدم پذیرش صحیفه سجادیة به عنوان یک اثر کاملاً اصیل توسط مورخین، تغییری در تأثیر حقیقی و غیرقابل انکار زین‌العابدین و صحیفه براسلام در طول قرون متمادی نخواهد داشت و تصور نیز نمی‌شود که بتواند تغییری در تداوم تأثیر آن بر مسلمانانی که اکنون این اثر را می‌خوانند ایجاد کند. زین‌العابدین واقعی آن کسی که در پس واژه‌های این کتاب قرار دارد.

*نقش دعا و مناجات

{...} اگر چه بسیاری از دعاهایی که از پیامبر و امامان به ما رسیده‌اند به طور یقین اظهارات قلبی خودجوش آنها بوده‌اند، اما سایر دعاها باید با هدف بازگویی در شرایط مختلف یا انتقال به مومنین و دینداران نگاشته شده باشند. بیشتر دعاهای پیامبر کوتاه هستند و می‌توانند فی‌المجلس نقل شوند اما برخی از دعاهایی که از امامان رسیده‌اند مانند دعای امام زین‌العابدین برای روز عرفه طولانی بوده و دارای سبک نگارشی بسیار فاخر و پرطمطراقی می‌باشند. حتی اگر این دعاها در ابتدا به صورت خودجوش و خودانگیخته بوده باشند، این حقیقت که آنها به عنوان دعاهایی برای شرایط به خصوص به وجود آمدند نشان دهنده این مطلب است که آنها دست به دست امامان و پیروان آنها رسیده‌اند تا در شرایط مشابه شرایط زمان ادای آنها دوباره تکرار شوند.

* دعا بیان صمیمی و دوستانه «؛توحید» یا «؛اذعان به یگانگی خداوند» بود

دانستن شرایطی که در آنها دعاها به وجود آمده‌اند به طور طبیعی غیرممکن است، اما ما به میزان بسیار زیادی در مورد فضای عمومی دوران ابتدایی اسلام اطاعت داریم که می‌تواند به نشان دادن نقش دعا در جامعه آن زمان کمک کند. بسیاری از مسلمانان، که بدون شک بسیار بیشتر از مسلمانان امروزی بوده‌اند، مقدار بسیار زیادی از زندگی کاری خود را وقف نقل قرآن، یادآوری خداوند، و دعا کردن کردند. حتی آنان که مکه و مدینه را به قصد شرکت در جنگ‌هایی به منظور توسعه اسلام و یا شرکت در اداره امپراتوری جدید ترک کردند لزوماً از اعمال معنوی چشم‌پوشی نکردند. و برای آنها که خود را وقف عبادت کردند، دعا به منزله گوشت و خون تخیل آنها بود. دعا ابزاری بود که مردم می‌توانستند توسط آن به پروردگار خود بیاندیشند و فکر و یاد او را در تمام فعالیت‌های روزانه خود حاضر نگاه

دارند. دعا بیان صمیمی و دوستانه «توحید» یا «اذعان به یگانگی خداوند» بود که به احساسات، عواطف، افکار و ادراکات آنها شکل داد.

در اسلام دعا به عنوان یکی از نخستین چارچوب‌هایی در نظر گرفته می‌شود که در آن روح می‌تواند مطابق با خواست الهی شکل بگیرد و از طریق این چارچوب تمام افکار و مفاهیمی که بر نفس بنیان نهاده شده‌اند به دور ریخته شوند. تأکید فوق‌العاده که در صحیفه بر انجام خواست خدا شده است- همانطور که مسیحیان دعا می‌کنند «خواست تو انجام می‌شود»- محوری را برای پروردگار ترسیم می‌کند که تمام خودخواهی‌های شخصی و خواهش‌های فردی که به هر شکل با خواست الهی - خواستی که از سوی شریعت و سنت به آن شکل ملموس و عینی داده شده است- مغایرت دارد را انکار می‌کند. برای مسلمانان آن زمان نیز همانند مسلمانان امروزی اطلاعات پروردگار وابسته به تقلید از آنهایی است که پیش‌تر از این با لطف و راهنمایی پروردگار شکل گرفته‌اند.

مجموعه این افراد با پیامبر آغاز شده و با اصحاب بزرگ ایشان ادامه می‌یابد. برای شیعیان سخنان و کردارهای امامان چند نقش اساسی را در این زمینه بازی می‌کند که گاهی به نظر می‌رسد - دست کم برای غیر شیعیان سنت پیامبر را به پشت صحنه می‌رانند. یاران ائمه به طور دائم به آنها مراجعه کرده و از آنها راهنمایی می‌خواستند، در حالیکه امامان خود پیرو شیعه پیامبر بودند که ساعت‌های متمادی را در روز و شب به نماز، ذکر، و دعا می‌پرداختند. اگر چه بیشتر این زندگی مذهبی و عبادی حالتی شخصی و درون‌گرایانه داشت، اما امامان وظیفه داشتند جامعه را رهبری کرده و زندگی مذهبی مردم را غنی سازند.

همانطور که امام زین‌العابدین در «رساله حقوق» تأکید می‌کند، بر هر صاحب علمی است که آن را به دیگران انتقال دهد و امامان نیز از سوی هم عصران خویش، چه شیعه و چه سنی، به عنوان صاحب‌نظران و مراجع بزرگ اسلام شناخته شده بودند. بنابراین طبیعی بوده که امامان دعا‌هایی را بنگارند که در آنها علم ایشان در مورد ارتباط انسان‌ها با خداوند با استفاده از شخصی‌ترین اصطلاحات بیان شده باشد و قابلیت انتقال یافتن به دیگران و تبدیل شدن به یک دارایی مشترک را نیز داشته باشند. اگر نخواهیم بگوییم بیشتر دعا‌های صحیفه از این نوع هستند، بسیاری از آن این خاصیت را دارا هستند. تعدادی کمی از دعا‌های صحیفه مانند: «دعای آن حضرت در عید فطر» (شماره 46) و «دعای آن حضرت در عید قربان» (شماره 48) نیز به نظر می‌رسند برای مناسبت‌های عمومی گفته شده باشند.

یکی از دعاها نیز دارای نشانه‌هایی داخلی است که نشان می‌دهد امام، یاران خویش و سایر مردم را در ذهن داشته و نه خود را: در دعا برای والدین (شماره 24) او به گونه‌ای صحبت می‌کند که گویی والدینش زنده‌اند، در حالیکه چنین چیزی ممکن نبوده است مگر در صورتی که تصور کنیم که ایشان این دعا را پیش از واقعه کربلا نگاشته باشند. (...)

از آغاز اسلام، دعا یکی از عوامل پایه‌ای و اساسی بوده است که مسلمانان از آن طریق، آگاهی از اندازه‌های درست و صحیح را به واقعیت رسانده‌اند و خود را برای دیدن پروردگار به عنوان منبع و منشاء تمام خوبی‌ها آموزش داده‌اند.

دعا در عالی‌ترین نمونه‌های آن، همانطور که در صحیفه می‌توانیم ببینیم، تمرین مداوم بینشی است که بر اساس آن، هر آنچه به خدا تعلق دارد به خدا و هر آنچه به انسان تعلق دارد به انسان مرتبط و منتسب می‌شود. به محض اینکه چنین بینش و بصیرتی به انسان دست می‌دهد، او با گناهکاری و نقص خود تنها می‌ماند. پس تنها کاری که می‌تواند انجام دهد خوار و ذلیل ساختن خود در برابر پروردگار است تا از او طلب رحمت و بخشش کند.

آنها که با نوشته‌هایی مراجع و صاحب‌نظران مذهبی اخیر آشنا هستند ممکن است با آن بعد از دعا که اکنون مطرح شد مخالف باشند و بگویند که این تنها نیمی از معنویت اسلام است و تکامل دینی و مذهبی که دوستان خدا (اولیاء) با دنبال کردن جاده معنویت بدان دست می‌یابند را نادیده گرفته است. بله، از یک سو، انسان بنده خاضع و فقیر پروردگار یکستاست که هیچ چیزی از خود ندارد. اما آیا او- دست کم به صورت پیامبر و ولی خدا- نماینده خداوند (خلیفه) و تصویر او (صورت) نیست؟ در واقع، جنبه دوم در جنبه اول نهفته است، چرا که هر چه فرد، خصوصیات مثبت را از بنده انکار کند بیشتر به این نکته تأکید کرده است که او به پروردگار تعلق دارد. با رد این نکته که انسان از خود، خیر و خوبی دارد، بر این مطلب صحنه می‌گذاریم که هر چیز مثبت و خوبی که در او وجود دارد تنها متعلق به خداوند است. تا هر جا که بنده خود را غرق در هیچی خود بداند، کمال پروردگار یکتا را نشان داده است. این نقطه نظر در این حدیث قدسی معروف به طور نسبتاً صریحی بیان شده است:

«بنده‌ام با انجام اعمال مستحبی (مانند دعا) به من نزدیک‌تر می‌شود، تا او را دوست بدارم، و هنگامی که او را دوست بدارم هر آنچه می‌شود از طریق من می‌شود، هر آنچه می‌بیند از طریق من می‌بیند، من دستی هستم که با آن می‌گیرد و پایی هستم که با آن راه می‌رود.»

اما متون اسلامی اولیه به موضوع «فناء فی‌الله» یا «یکسانی مطلق» اشاره‌ای نکرده‌اند، چرا که این موضوع ظریف‌تر از آن است که قابلیت بیان شدن با اصطلاحات صریح متداول در اینگونه متون را داشته باشد. در هر صورت، همانندی و یکسانی با موضوع دعا بیگانه است، زیرا دعا در پی نشان دادن تفاوت و اختلاف میان خدا و بنده است و این تفاوت در تمام شرایط، حتی در جهان دیگر، دست کم با یک درجه و سطح از اختلاف هم که شده باقی خواهد ماند و مفهوم خود را از دست نخواهد داد.

* صحیفه و معنویت اسلامی

(...) مایلم بگویم که کتابی مانند صحیفه بعد درونی و داخلی اسلام را آشکار می‌کند که حتی ممکن است فهم و درک آن در سایر متون اولیه دشوارتر نیز بوده باشد. هنگامی که دانشمندان و سایر افراد ناآشنا به اسلام به آن می‌نگرند به طور طبیعی آنچه را که در نگاه اول دیده باشند درک می‌کنند که از آن جمله می‌توان به وقایع، گزارش‌ها و اسناد مکتوب، روابط اجتماعی و غیره اشاره کرد. آگاهی یافتن

از درون قلب مردم و یا اصرار بر فهمیدن رابطه شخصی افراد با پروردگار کار آسانی نیست، اگر چه بیشتر مردم نیز علاقه‌ای به این امر ندارند. اگر راهی به درون قلب مردم وجود داشته باشد، یافتن آن مستلزم مطالعه و بررسی درونی‌ترین نگرانی‌ها و دغدغه‌های افراد است که در فعالیت‌های بیرونی و نوشته‌های ایشان منعکس می‌شوند. اما ابعادی از اسلام که بیشتر توجه نظاره‌کنندگان بیرونی را به خود جلب کرده‌اند ابعاد بیرونی و مشخص آن هستند که نسبتاً خالی از عشق و حرارتی هستند که در غرب از معنویت و روحانیت سراغ دارند.

تمدن اسلامی به طور کلی بسیار شبیه به یک شهر مسلمان‌نشین قدیمی است: دیوارهای بیرونی حکایت از گرفتگی و کسالت و غم بار بودن آن می‌کنند و ورود به این دنیای پشت دیوار نیز آسان نیست؛ اما اگر شخصی بتواند با اهالی این شهر صمیمی شود، به او حیاط‌ها و باغ‌های دل‌انگیز و زیبایی نشان داده خواهد شد که مملو از گل‌های خوشبو، درختان میوه، و فواره‌های جوشان هستند. آنهایی که در رابطه با تاریخ اسلام، وقایع سیاسی، و بنیادی‌های آن مطلب می‌نویسند تنها با دیوارها سر و کار دارند، زیرا راهی به درون باغ‌های پشت دیوار ندارند. برخی از این باغ‌ها از طریق مطالعه صوفی‌گری، هنر و معماری، شعر و موسیقی به روی افراد باز می‌شوند، اما از آنجا که تمام این موارد در اشکال تاریخی ویژه و تحت تأثیر محیط پیرامون خود به ظهور رسیده‌اند، ریشه‌های عمیق اسلامی آنها به راحتی از چشم افراد دور می‌ماند. قدیمی‌ترین، اصیل‌ترین و دشوارترین باغ‌های این شهر برای ورود، قلب‌های بزرگترین نمایندگان این تمدن است. اینجاست که دعا‌های رسیده از ستون‌های اسلام اولیه تصویر کاملاً جدیدی را از روح زنده و پویای اسلام نشان می‌دهند، چرا که این دعاها دسترسی مستقیم به انواع رفتارها و ویژگی‌های بشری که پیش نیاز شکوفایی کامل آرمان اسلامی هستند را فراهم می‌کنند.

* ابعاد دیگر

شاید به نظر برسد که این مقدمه به طور اختصاصی به معنویت و روحانیت در اسلام می‌پردازد، اما صحیفه به سایر قلمروها نیز می‌پردازد. همانطور که در بالا گفته شد نمایندگان بزرگ اسلام نیز همانند قرآن و حدیث تمام سطوح تعالیم اسلامی را با همدیگر و به طور همزمان مورد توجه قرار داده‌اند. اگر در مباحثی که در مورد صحیفه آورده شده است همواره به روحانیت و معنویت اشاره شده است به واسطه این حقیقت است که این اثر مجموعه‌ای از ادعیه است و این دعاها بر رفتارهای مشخصی در برابر حقیقت الهی پروردگار دلالت می‌کنند که بدون قرار گرفتن در یک زمینه معنوی و روحانی قابل فهم و ادراک نیستند.

* صحیفه سجادیه آموزه‌هایی را نیز ارائه می‌دهد که در سطوح مختلفی، از خداشناسی گرفته تا مسائل اجتماعی، کاربرد دارند

اما صحیفه آموزه‌هایی را نیز ارائه می‌دهد که در سطوح مختلفی، از خداشناسی (در گسترده‌ترین مفهوم آن) گرفته تا مسائل اجتماعی، کاربرد دارند. البته بررسی جامع و کامل این سطوح نیازمند نگارش کتابی است که بسیار قطورتر از خود صحیفه خواهد بود. امیدوارم که با انتشار این ترجمه از صحیفه سجادیه، دانشمندان به مطالعه و بررسی محتوای دعا‌های موجود در صحیفه (و همچنین دعا‌هایی که از سایر ارکان اسلام آغازین به خصوص امامان شیعه به جای مانده است) ترغیب شوند تا تمام سطوح آموزه‌های این ادعیه را آشکار کنند. بیشترین کاری را که می‌توان در اینجا انجام داد این است که به برخی از سایر عناوین مهم و مورد توجه صحیفه اشاره کنیم و برخی پرسش‌های مهمی را که از بررسی این عناوین بدست می‌آیند ذکر کنیم.

* اسلاموقعیتی طبیعی و سازمند است که دارای سه بعد بنیادین است

اسلاموقعیتی طبیعی و سازمند است که دارای سه بعد بنیادین است: عمل یا شریعت (اسلام)، اعتقاد (ایمان) شامل مکتب و آموزه‌های اندیشمندانه، و معنویت (احسان). این ابعاد در نمونه زنده‌ای از یک جامعه به طور بسیار نزدیکی به هم پیوسته‌اند، حتی اگر اشکال بنیادین مختلفی بخواهند به طور جداگانه با آنها ارتباط برقرار کنند. منابع اولیه مانند احادیث پیامبر یا نهج‌البلاغه علی (ع) با هر سه این ابعاد سر و کار دارند. البته بخش‌های مختلفی را نیز از این منابع می‌توان جدا کرد که تنها به موضوع خاصی می‌پردازند. اما اثری همانند نهج‌البلاغه یا صحیفه تفاوت بسیار زیادی دارد، چرا که در این کتاب بیاناتی در تمام زمینه‌ها، از ماوراءالطبیعه گرفته تا ماهیت دولت سالم و یا تا اشتباهات شخصی برخی هم عصران علی، یافت می‌شود. اگر چه معنویت یکی از ابعاد اسلام است، ولی در نهج‌البلاغه هیچ تأکیدی بر آن وجود ندارد، اما این نکته را نباید فراموش کرد که در تمام گفته‌های علی معنویت و تقدس عمیقی نهفته است.

* در مقایسه با نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه با شکل و محتوای دعایی خود بر درونی‌ترین و خصوصی‌ترین بعد اسلام تأکید می‌کند

در مقایسه با نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه با شکل و محتوای دعایی خود بر درونی‌ترین و خصوصی‌ترین بعد اسلام تأکید می‌کند. اما باید توجه داشت که صحیفه به طور همزمان به سایر ابعاد اسلام نیز گوشه چشمی دارد. به عنوان مثال دسته سنتی و قدیمی «؛ایمان» با موضوعاتی چون خدا، فرشتگان، پیامبران، کتاب‌های مقدس، روز قیامت، و «؛اندازه‌گیری» (قدر) خیر و شر در ارتباط است. این عناصر ایمان موضوع اصلی بیشتر تفکرات اسلامی در کلام، فلسفه، و صوفی‌گری نظری را تشکیل می‌دهند.

امام زین‌العابدین این عناصر و موضوعات را گاهی به طور خلاصه و گاهی به صورت مشروح مورد بحث قرار داده است. او اغلب از فرشتگان یاد می‌کند و جمله «سلام و درود بر حاملان عرش» (شماره 3) که او در رابطه با فرشتگان بیان می‌کند بهترین خلاصه عقاید مسلمانان در مورد آنهاست.

امام همچنین به طور پیوسته به حوزه و قلمرو اعمال اسلامی یا شریعت در معنای گسترده آن اشاره می‌کند. او بر نیاز به پیروی از راهنمایی‌ها و دستورات خداوند که در قرآن و حدیث، هم برای زندگی فردی دو هم برای زندگی اجتماعی، آمده است تأکید می‌کند. بسیاری از آموزه‌های اجتماعی ویژه و همچنین احکام و دستورات عمومی از جمله نیاز به برقراری عدالت در جامعه نیز در صحیفه به خوبی دیده می‌شوند. اما از آنجا که آموزه‌های اجتماعی با حوزه عمل، بیرون‌ترین بعد اسلام، در ارتباط هستند باید در قالب آموزه‌های نظری و معنوی اما نگریسته شوند. همانگونه که امام (ع) در «رساله حقوق» خویش به روشنی بیان کرده است، سلسله مراتب اولویت‌ها باید همواره مورد توجه قرار گیرد: فردی پیش از اجتماعی، معنوی پیش از عمل، و علم و آگاهی پیش از اقدام. هر انسانی مجموعه‌ای طولانی از وظایف اجتماعی را برعهده دارد. اما این وظایف بستگی به وظایف ضروری‌تر وی دارند که در درجه اول، ایمان به خدا و در درجه دوم، قرار دادن خود در رابطه‌ای مناسب با حقیقت الهی است.